

Jesus is our saviour and he comes back

به عنوان یک ایماندار با ایمان آورنده به عیسی مسیح ما باید این را بدانیم و همراه به خاطر داشته

باشیم که عید از عیسی مسیح نه در آسمانها نه در زمین وزیر زمین و نه در هر جای دیگر

اسم دیگری نیست که ناجی ما باشد فقط اولاد که می تواند ما را رستگار سازد و از غدار

آفت برهاند. ایمان به فدای پدر و فرزند او عیسی مسیح یعنی (جات - رستگاری) بخشش

گناهان یعنی یک زندگی جدید یعنی امید حقیقی و واقعی یعنی شادی روح و جان. هر چند زندگی

در این دنیا مثل کلی به همراه دارنده باشد که این مثل که برای همه انسانها یکسان است

و هیچ زندگی بدون مکه نیست ولی ما با ایمان به مسیح به مکه فاعق

می آئیم

و با عبودیت به پیش می روم و در آرزو به حضور پر جلال او راه می یابم و با او  
در زندگی جاودانی حکیم می شوم. اول غنایان و: 2 زندگی که ماصحیح وقت ب  
اشکارمان و عظمایان قادر بر آن نیستیم.

زندگی سرشار از شادی و آسودگی و راضی جان، آری این عیبی است که به تمامی پسران  
خود این وعده را داده است. با ایمان واقعی به او مائتوها روح القدس هدایت می گویم  
و او راهی را که ما باید بسوی شما به ما نشان می دهد، هر چند در این راه سختیها و  
مشکلات و دشواریها وجود داشته باشد اما او هرگز ما را تنها نخواهد گذاشت نه در  
نیگمائی نه در گمراهی زندان نه در بیماری و نه در مشکلات دیگر دوم تیموتائوس 13: 2  
(اصی وقتی ضعیف می گویم و ایمان و وفاداریان نسبت به صبح نسبت می گردد او نسبت به ما وفادار  
می ماند و به کمکهای شماست) زیرا اینی تواند ما را که چیزی از او هستیم از خود جدا کند چون این بر خلاف  
طبیعت اوست) دانستن این نکته بسیار دشوار نیست چون مای توانیم این را  
ببینیم یا حس کنیم او صمیم و گوش ما را باز می کند تا نتیجه ایمان واقعی نسبت به او را ببینیم  
و درک کنیم تا اینکه ایمان همواره صوی تر گردد و در بیان را نیز به این معنای آسانی که  
توسط او وعده داده شده است دعوت کنیم عزرا 33: 6 خداوند دعای بنام خداوندان  
را مستجاب می کند و عزیزان خود را در زندان و اسارت و اموالی نمی کند

بی ایمانی یعنی فقر مطلق . کسی که ایمان ندارد در واقع فقیر است ولی فقیری که ایمان دارد است در واقع ثروتمند است

بفرزاد بی ایمان ممکن است فرزند باشد ولی این مختص به این دنیا است یعنی موقتی چون هر فرد فرزند می تواند در یک آن رؤیای را از دست بدهد یا اینکه با مرگ روبرو شود ولی بفرزاد با ایمان اگر هم فقیر باشد باز هم چیزی از دست نمی دهد چون در مقابل صیانت جاوید زندگی این دنیا مانند هفت ساعت است مثل اینکه چند ساعتی زندگی برده ایم آن هم با مشکلات چون زندگی در زمین بدون مشکلات نیست

فرزادند بی ایمان دارو واقعی را هرگز رها نمی کند بلکه از او مراقبت می کند و راه درست زندگی را به او نشان می دهد . در واقع آنکس که ایمان محبت و امید ندارد هیچ چیزی ندارد چون این سه از هم جدا نیستند و محبت از اولاد اینهاست و فرزند خود محبت است و او این را به فرزندش واهی است نیز عطا کرده که تا نسبت به زبیر آن محبت داشته باشد بگذارد و فرزند او عیسی مسیح جانشی را در راه محبت گذارست و به ما نشان داد و یاد داد تا ما هم معنای محبت را درک کنیم و در زندگی روزمره خود جاری کنیم .

بزرگترین پیام انجیل رستگاری مسیح از مرگ است که شخصیت عیسی را به عنوان پسر فرزند به ما می شناساند کسی که بر دنیای مرده گان پیروز شد و تا ابد زنده است ما هم باید به این قدم کنیم که عیسی مسیح زنده است و او ما را می شکند

این یک داستان تاریخی است که 2000 سال پیش اتفاق افتاده و تمام مردم باید بداند این حقیقی است که هر روز زنده بودن و حضور او را در زندگی روزمره ما به آگاهی می رساند.

ما باید هر روز دعاها را بخوانیم ، دنیای ما دچار بیماری نجاتی است و مشکلات بسته و طبیعت هر روز بیشتر می شود در آینده بلکه تا 50 سال دیگر ممکن است کره زمین دیگر قابل سکونت نباشد ، آلوده شدن زمین و گرمای جهانی آنرا به چالش کشیده است وقتی گیاهان و حیوانات نیز از این مشکل = رنج خواهند کشید ، این موضوع در عهد عبید انجیل نیز آمده است رومیان 8:22 چون می دانیم که حتی حیوانات و گیاهان نیز رفتار بیماری و رنجند و همچون زنی که در حال زاییدن است دردی کشد و در انتظار این روز بزرگ یعنی (بازگشت مسیح) روز نجاتی می کشد .

سائمن واقعی عیسی مسیح شایسته برای ما نیز مشکل باشد ، چون او شخصیت فدایی دارد و ما نمی توانیم از کارهای خداوند سر در بیاوریم ولی زندگی عیسی مسیح به روی زمین و رفتار و رفتار او برای ما سرمشق بزرگی است و ما باید او را سرمشق زندگی خود قرار بدهیم در یوحنا 5:13 می خوانیم که او آب درختن رحمت و بارهای شادمانان خود را نسبت و با جوله فشک کرد . این درس بزرگی در زندگی ما ایمان داران است ، او از هیچ خدمتی نسبت به مردم را از خود دریغ نمی کرد انسانی که جانش را برای ما عطا کرد

آنان با آرزوهایش چیز دیگری دارد که برای دیدن آن (دوستان و یاقاصدکم)

خدا کند. آن هم صرفاً برای بخشیدن کتاهانشان اجازه داد که او را قربانی کنند

با اینکه او بی گناه بود و این راه هم می دانستند ولی او را به بالای صلیب بردند، ولی از

اینجا که او برضاست دنیای مرده گان نمی توانست او را در فرزندند دارد و حتی دنیای

مرده گان تسلیم اراده او شد و او را به دنیای زنده گان پس داد، او زنده شد و زنده است

و تا به نیاز زنده خواهد ماند او خود زندگی است و برای اینکه ما هم بتوانیم یک

زندگی همیشگی و آسوده ای داشته باشیم نیاز به بازنگری او است. اتفاقات و اشیای

که در دنیای امروزی ما اتفاق می افتد نشان به بازنگری عیسی مسیح دارد و فرود او بارها و بارها

به بازنگری ما نویسنده ای اشاره می کند و به ما وعده داده است که دوباره خواهد آمد

پس هر روز در دعاها ایمان برای بازنگری سرورمان عیسی مسیح دست به دعا بر می داریم و از

خدای پدر طلب می کنیم که هر چه زودتر سرورمان و پادشاهمان عیسی مسیح را برای

نجات ایمان داران و ایمان آورندگان به زمین بفرستد همان طور که وعده داده است

پس همانگونه شود آمین ای خدای پدر و ای عیسی مسیح سرور جهان

Bahman